

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۷۴
جمعه ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ ۳ ژوئن ۲۰۲۲

چشم انداز فلج اقتصادی و فلاکت عمومی

کاظم نیکخواه

بهای هر دلار در ایران اکنون به ۳۲ هزار تومان رسیده است. این بدان معناست که کالاهایی که سال قبل با دلار ۱۲ تا ۱۵ هزار تومان وارد میشد با قیمت بیش از دو برابر دارد وارد این کشور میشود. و این بدان معناست که این تورم سالانه صد در صدی بر قیمت تمام کالاها تاثیر گذاشته و قدرت خرید نازل مردم را به کمتر از نصف قبل کاهش داده است.

محمدباقر قالیباف روز چهارشنبه ۱۱ خرداد با این ادعا که «رویکرد اصلی مجلس کاهش تورم و گرانی است»، گفت: «با صدور کالابریگ، چند قلم کالا با قیمت مناسب سال قبل به دست یارانه بگیران می رسد». کسی که سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی را دنبال کرده باشد، میداند که یارانه به الکلنگ جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد تبدیل شده است. یک مدت یارانه میدهند و بعد که معلوم میشود خود یارانه فوراً با افزایش قیمتها خنثی میشود و قدرت خرید مردم را به حد پایین تر از قبل کاهش میدهد، سیاست حذف یارانه ها را در پیش میگیرند و خود این هم به گرانی بیشتر دامن میزند. اکنون جناب قالیباف که کارنامه دزدیهای کلانش در شهرداری و جاهای دیگر بر همه روشن است، میخواهد به مردمی که گرانی

اقتصاد ایران با حاکمیت مافیای اسلامی سرمایه دارد به ته خط میرسد. این اقتصاد نه فقط مطلقاً پیشرفتی ندارد، بلکه اساساً کار نمیکند و مدام باید به آن تنفس مصنوعی داد. دست اندرکاران حکومت روشن است که از اقتصاد جز دزدی و اختلاس و ثروت اندوزی چیزی نمیفهمند. اینها وقتی از اقتصاد حرف میزنند نشان میدهند که درکشان در حد همان امام سفیه شان خمینی است که گفت اقتصاد مال خر است. نه نقشه و برنامه ای برای بهبود اقتصاد دارند و نه امکان قدم از قدم برداشتن را دارند. فقط حسابهایشان را از پولهای نجومی سرریز میکنند و ثروتها و رانتهای کلان را بالا میکشند و در حسابهایشان در بانکهای خارجی سرمایه گذاری میکنند.

در آستانه سال قبل ابراهیم رئیسی گفت تا آخر سال (یعنی کمتر از یک ماه) فقر را ریشه کن خواهیم کرد! این گفته در کارنامه چرندیات مضحک آخوندها و شخص رئیسی ضبط شد و همه مردم آنرا به تمسخر گرفتند. اکنون قالیباف رئیس مجلس اسلامی قدم جلو گذاشته است و میگوید تورم و گرانی را بزودی کاهش خواهیم داد. همه مردم میدانند که اینهم از همان نوع خزعبل گویهای آخوندی است.

ادامه در صفحه ۳

خبرزش جاری و برآمد جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

ادامه در صفحه ۲

آبادان و تظاهرات مسلحانه

مصطفی صابر
ادامه در صفحه ۳



بیانیه مردم آبادان و حمایت ها و همبستگی ها

شهلا دانشفر

ادامه از صفحه ۴

سینماگران دیگر بیانیه "تفنگت را زمین بگذار"

را امضا کردند

حسن صالحی
ادامه در صفحه ۴

به بهانه هفتادمین سال سلطنت ملکه بریتانیا

عبدل کلپریان
ادامه در صفحه ۷

شمخانی و مافیای متروپل

کاظم نیکخواه
ادامه در صفحه ۷

وضعیت معلمان زندانی و کارزار برای آزادی معلمان دربند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)
ادامه در صفحه ۸

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران

صفحات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴

وضعیت معلمان زندانی و کارزار برای آزادی معلمان دربند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)
ادامه در صفحه ۱۴



کتاب «بیت سال جنبش کارگری ایران» نوشته

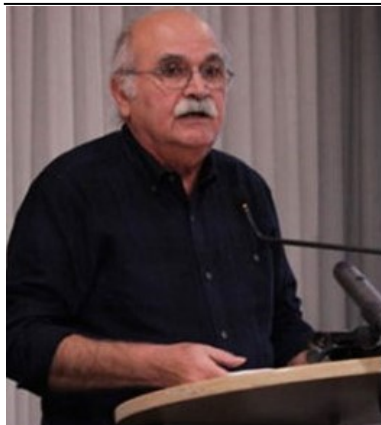
اصغر کریمی

در صفحه ۱۵

به مردم ایران در داخل کشور

به حزب کمونیست کارگری و کاتال جدید کمک کنید

ادامه در صفحه ۱۶



خیزش جاری و برآمد جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

از سوی دیگر خود جمهوری اسلامی هر اعتراضی را سیاسی می‌کند. می‌گیرند و می‌زنند و پرونده سازی امنیتی می‌کنند. صنفی ترین اعتراضات از نظر حکومت اعتراضی است علیه جمهوری اسلامی. کافی است که زنان در خیابان حجاب بردارند و یا آواز بخوانند تا جمهوری اسلامی احساس سرنگونی بکند و بعنوان یک اعتراض سیاسی به آن برخورد بکند! از هر نظر نگاه کنید علاوه بر خیزشهای شهری که صریح و روشن علیه دیکتاتور و علیه جمهوری اسلامی است، جنبشهای دیگری هم به این معنا مضمونا بخشی از جنبش سرنگونی محسوب میشوند. کما اینکه هر زمان تناسب قوا اجازه میدهد، هر وقت فاجعه ای مثل متروپل آبادان صورت میگردد، توده مردم، همان فعالین و اقشار دیگر در جنبشهای "مطالباتی"، به خیابان میریزند و با شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی و آخوند باید گم بشه خواست سرنگونی حکومت را صریحا بیان میکنند.

مشاغل را دارد، یکی علیه خصوصی سازی است، جنبش کارگری اداره شواری را مطرح میکند، بازنشستگان بیمه های اجتماعی میخواهند و غیره.

اینها ظاهرا جنبشهای مطالباتی هستند ولی این امر به این معنا نیست که صرفا با اعتراضات صنفی روبرو هستیم. همه میدانند که حتی ابتدائی ترین خواستههایشان تا وقتی جمهوری اسلامی بر سر کار است برآورده نخواهد شد. کارگری که خواهان ۱۶ میلیون حداقل دستمزد است، زبانی که علیه حجاب، علیه آپاراتاید جنسیتی، و علیه قوانین اسلامی ضد زن اعتراض میکنند، مخالفین علیه اعدام و دادخواهان و معلمان و بازنشستگان و همه بخشهای معترض جامعه، میدانند جمهوری اسلامی خواهانشان را برآورده نخواهد کرد. اما با این حال این مبارزات با این پرچم ها ادامه دارد بخاطر اینکه بنظر من فرم معین و شکل مشخصی از اعتراض یک جامعه ای است که میخواهد حکومت را از هر طرف تحت فشار بگذارد، محاصره بکند، و نهایتا بزیر بکشد. از نظر مضمون حتی مطالباتی ترین و صنفی ترین اعتراضات در جمهوری اسلامی به این معنا سیاسی است.

دل خودش، صریح و عریان و شفاف به خیابان می آید. ولی حتی وقتی این شرایط را هم نداریم یعنی در شرایط عادی تر جامعه که خیزشی هم در کار نیست باز هم می بینید که اعتراضات ادامه دارد. اعتصابات کارگری مدام رو به گسترش است، مقاومت زنان، اعتراضات زنان علیه آپاراتاید جنسی، جنبش دادخواهی و اعتراضات خانواده های دادخواه، یا جنبش دانشجویی، جنبش اعتراض به تخریب محیط زیست، اعتراضات همجنسگرایان و رنگین کماتی ها، اعتراضات مردمی که تحت ستم ملی و مذهبی هستند و جمهوری اسلامی حقوق شهروندیانشان را هر روز پایمال میکند، مهاجرین افغانستانی و غیره و غیره. تمام اینها در ایران معترض هستند و هر روز در تظاهرات، اعتصابات و غیره خواستههای مشخص خودشان را مطرح میکنند. مثلا معلمان و بازنشستگان و کارگران خواست مشترکشان افزایش حقوق ها و دستمزدها است ولی یکی خواست رتبه بندی

سر بهتر شدن شرایط نیست، بر سر زنده ماندن است.

جمهوری اسلامی با تکمیل گرانی و تورم افسار گسیخته و فقر و فلاکتی که جامعه را دارد زیر فشار خودش خرد میکند، و از سوی دیگر با اعمال بیشترین تبعیضات و بی حقوقی ها و سرکوبگرها، در برابر کل مردم قرار گرفته است. اعتراضات جاری، چه اعتراض به گرانی و تورم که قبل از فاجعه آبادان شروع شده بود و الان نزدیک به یک ماه است که ادامه دارد و چه خیزش شهرها در

آنچه در جامعه جریان دارد یک جنگ و مقابله علنی و صریح بر سر بقا است. بقای قدرت و ثروت جانیان حاکم، و یا بقای زندگی و کرامت و منزلت یک جامعه ۸۰ میلیونی؟ جنبش جاری بر سر پاسخگویی به این سؤال است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

روزهای اخیر بعد از فاجعه آبادان، همه یک مضمون و انگیزه و هدف دارند و آنهم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است.

ادامه از صفحه ۱

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

خلیل کیوان: بدنیاال فاجعه فرو ریختن ساختمان متروپل در آبادان موجی از اعتراضات علیه حکومت فاسد، دزدسالار و سرکوبگر جمهوری اسلامی شکل گرفت. در کنار تظاهراتهای رو به گسترش در شهرهای مختلف و اعتصابات و اعتراضاتی که معلمان، بازنشستگان، کارگران، نویسندگان، کامیونداران و بسیاری از اقشار دیگر داشتند، شاهد این هستیم که عده ای از هنرمندان، روشنفکران و ورزشکاران و سلبرتی ها هم به این اعتراضات پیوسته اند. از جمله سینماگران در بیانیه ای از نیروهای انتظامی خواسته اند که سلاح هایشان را بر زمین بگذارند و همچنین در جریان اهدای جایزه فستیوال گن برای اولین بار از تریبون این جشنواره صدای اعتراض علیه جمهوری اسلامی را شنیدیم. حمید تقوایی، این اعتراضات که در فاصله کوتاهی اتفاق افتاده چه رابطه ای با یکدیگر دارند؟ تصویر و ارزیابی شما از این مشاهدات چه هست؟

حمید تقوایی: مجموعه اعتراضاتی که برشمردید نشاندهنده بپا خاستن جامعه ای است که دیگر وضع موجود را نمیتواند تحمل کند. هم از نظر معیشتی و اقتصادی و هم از نظر سیاسی و اجتماعی. دیگر جامعه تاب تحمل فقر و فلاکت، سرکوبگری، فساد، و جنایتهایی که هر روز حکومت مرتکب میشود را ندارد و به خیابان ریخته است که کار را یکسره کند. آن حلقه ارتباطی که همه این اعتراضات را به هم وصل میکند در واقع خلاصی از شر جمهوری اسلامی است؛ گرایش و خواست عمیق مردم است برای اینکه این حکومت را کنار بزنند. امروز حتی ادامه زندگی، بقای فیزیکی مردم زیر سوال است. مساله حتی بر



چشم انداز فلج اقتصادی و فلاکت عمومی کاظم نیکخواه

ادامه از صفحه ۱

وسیعا جنایت میکند. مردم زیر فقر دارند مجاله میشوند و میدانند که برای خلاصی از فقر و نداری و بی‌تامینی راه دیگری جز سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. یارانه نقدی و غیر نقدی و روضه خوانیهای رئیسی و قالبیاف و دیگر آخوندهای حکومتی، تنها دهن کجی به مردم است و معنای دیگری ندارد.

دارد کمرشان را خرد میکند، یارانه بدهد! در مورد اقتصاد جمهوری اسلامی و قاچاقچیان و رانت خواران و اختلاسگران حکومتی ساعتها میتوان سخن گفت. مردم زیر بار این اقتصاد بیمار و فاسد و بحران زده که هم تورم و هم رکود بر آن حاکم شده، دارند نابود میشوند.

میلیونها نفر از مردم به طور واقعی گرسنه اند. پول این کشور به کاغذ پاره تبدیل شده است. فقر کمر شکن، بیکاری گسترده، عدم تأمینات اجتماعی، نبود بیمه بیکاری، هزینه سنگین درمان و تحصیل و همه چیز، زندگی را بر مردم به شدت تلخ و غیر قابل تحمل کرده است و دارد از مردم قربانی میگیرند. فقر غذایی و عدم امکان دسترسی به دارو و درمان هر سال شمار زیادی از مردم و بویژه بازنشستگان را از بین میبرد. جنایات جمهوری اسلامی فقط اعدام و شلیک مستقیم به مردم نیست. با اختلاسها و فساد و نابود کردن اقتصاد و محروم کردن مردم از ابتدایی ترین تأمینات اجتماعی و هزینه های سنگین درمان و دارو و حتی معاش ساده نیز دارد

و پاسدار و بسیجی و سرکوبگران و روضه خوانان حکومتی میشود. همین ها از گرانیها و تورم هم بیشترین نفع را میبرند. اقتصاد جمهوری اسلامی اقتصاد قاچاق و دزدی و رانت خواری است.

مردم همه اینها را به چشم می بینند و فریادشان بلند است. فریاد مرگ بر دیکتاتور و شعار دادن علیه اختلاسگران و مافیای حاکم به جزئی از مبارزه مردم تبدیل شده است. بطور واقعی این اقتصاد در شرایط حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ چشم اندازی برای بهبود ندارد. تورم و رکود و بیکاری مزمن و گسترش قاچاق و کل این بلشوی اقتصادی که کمر اکثریت مردم را دارد خرد میکند، با

اول برای برپایی نظامی انسانی است که در آن رفاه و مسکن و درمان و آموزش رایگان و معیشت کافی و مناسب در اختیار تک تک مردم قرار گیرد. هیچ تردیدی در این نباید داشت.

فضای اعتراضی کنونی جامعه و فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر حکومت که هر روز در هر خیزشی طنین می اندازد، نشان میدهد که مردم به درست وسیعا به این باور رسیده اند و حاضر نیستند بیش از این آوار این اقتصاد بیمار و بحران زده و حاکمیت مافیای سرمایه داری را تحمل کنند. مردم با هزینه های بسیار دارند در این جهت تلاش میکنند.



سرنگون خواهد شد. با اینهمه، ورود زود هنگام به فاز مسلحانه میتواند بسیار مخاطره آمیز باشد؛ و به زیان مردم و به نفع حکومت تا به دندان مسلح تمام شود.

اول: تظاهرات کنونی به همه شهرها و مناطق کشور و بخصوص به تهران و شهرهای بزرگ گسترش پیدا کند.

دوم: تظاهرات های خیابانی باید با جنبش اعتصابی کارگران، معلمان و بارنشستگان و اقشار دیگر وصل شود و گره بخورد و رهبری سیاسی واحدی شکل بگیرد...

کرد و شرایط را برای ضربه نهایی و سرنگونی رژیم فراهم کرد.

سوم: باید با اعتصابات سراسری و گسترش تظاهرات ها شرایط اعتصاب عمومی در کل کشور را فراهم کرد. باید با اعتصاب عمومی کل جمهوری اسلامی را فلج

آبادان و تظاهرات مسلحانه مصطفی صابر

در یکی دو روز اخیر شاهد ویدئوهایی در فضای مجازی بودیم که گفته میشد از آبادان است و نشان میداد مردم معترض بعضا مسلح اند.

تردیدی نیست که مقابله مسلحانه مردم با جمهوری اسلامی جنایتکار امری بر حق و حتی ضروری است؛ و اینکه به احتمال زیاد این رژیم نهایتا با قیام مسلحانه توده ای

مادام که جنبش سیاسی و توده ای مردم به اندازه کافی پیش نرفته باشد، به اندازه کافی وسیع و همه گیر نشده باشد، و مادام که رژیم حاکم را از لحاظ سیاسی کاملا محاصره و زمین گیر نکرده باشیم، وارد شدن قبل از موقع به فاز مسلحانه میتواند فرصت مغتنمی به دست رژیم دهد که فضا را

بیانیه مردم آبادان و حمایت ها و همبستگی ها

شهلا دانشفر

ادامه از صفحه ۱

فاجعه انسانی فروری ساختمان متروپل آبادان، خشم و نفرت مردم در این شهر را علیه جنایتکارها و بساط مافیایی جمهوری اسلامی بیش از پیش برانگیخت و امروز این شهر آرام و قرار ندارد. اعتراضات مردمی آبادان با موجی از همبستگی و اعتراض در شهرهای مختلف در استان خوزستان و دیگر استانها روبرو شد و در همین مدت مردم در شهرهای مختلفی چون اهواز، شادگان، کیش، بندرعباس، ایذه، بوشهر، جزیره مینو، ماهشهر، شاهین شهر، فولادشهر، خرمشهر، بهبهان، امیدیه، آغاجری، محلاتی از تهران، دزفول، زاهدان، سنندج، گرگان و یزد به خیابان آمده و حمایت و همبستگی خود را با مردم آبادان و اعتراضاتشان اعلام کرده اند. بعلاوه شماری از شهروندان ساکن استانهای کردستان، کرمانشاه و ایلام با حضور در مراسم سوگواری جانباختگان فاجعه متروپل، همدردی و همبستگی خود را با

خانواده‌های قربانیان این جنایت اعلام کردند.

جدا از تظاهرات های خیابانی بخش های مختلف جامعه در شکل بیانیه های اعتراضی و گرامیداشت یاد جانباختگان حمایت و همبستگی خود را با مردم آبادان اعلام کرده اند. نمونه هایی از این همبستگی ها عبارتند از: کارگران پتروشیمی و پالایشگاه آبادان با اولتیماتوم به اعتصاب و تاکید بر خواستها و مطالبات مردمی حمایت خود را از مردم آبادان کردند. همچنین شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف، کانون نویسندگان ایران، مادران دادخواه، جمع هایی از ورزشکاران، تشکلهای مختلف کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه و جمع هایی از مردم معترض و تشکلهایی چون انجمن برق و فلز کرمانشان، ندای زنان ایران، و سندیکای نقاشان با بیانیه های مستقل و

جمعی خود حمایت و همبستگی شان را با مردم آبادان اعلام کرده و ضمن محکوم کردن این جنایت آشکار و سیاست های سرکوبگرانه حکومت در قبال مردمی که قربانی داده اند، از خواست ها و مبارات مردم در آبادان حمایت و پشتیبانی کرده اند. در دانشگاهها نیز از جمله دانشگاه صنعتی اصفهان و نوشیروان بابل ما شاهد برپایی مراسم در گرامیداشت یاد جانباختگان فاجعه متروپل و در همبستگی با مردم آبادان بودیم.

نمونه دیگر از این همبستگی ها انتشار بیانیه "تفنگ را زمین بگذار" از سوی نزدیک به صد نفر از سینماگران است که اخیرا منتشر گردید و از سوی نیروهای امنیتی فشار زیادی به امضا کنندگان آن وارد آمد که امضایشان را پس بگیرند اما این فشارها نه فقط باعث عقب نشستن نشده بلکه بنا به گزارشات شمار بسیاری بیشتری از سینماگران به آن پیوسته اند.

همبستگی با مردم آبادان مضمونش یعنی همبستگی برای نابودی جمهوری اسلامی. همبستگی با مردم آبادان یعنی اوج بیشتر شعارهای ضد حکومتی و مرگ بر دیکتاتور در گف خیابانها. یعنی این حکومت فقر و

چپاول و سرکوب و نا امنی باید گورش را گم کند و برود. به عبارتی روشنتر اعتراضاتی که امروز آبادان را به لرزه در آورده دامنه اش دارد به شهرهای دیگر کشیده میشود. این اعتراضات ادامه اعتراضاتی است که در یکی دو ماه اخیر در بیش از سی شهر علیه سونای گرانی برپا شد. ادامه خیزش آنان برای سرنگونی حکومت است. و امروز فاجعه جنایتکارانه متروپل آبادان خشم و نفرت مردم از حکومت جهانی حاکم را شعله ور کرده است.

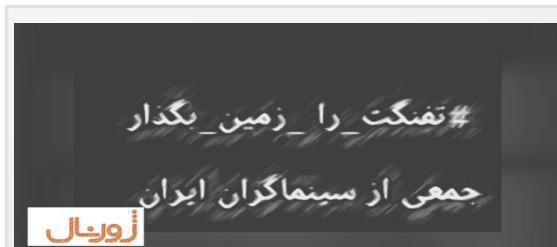
همبستگی با مردم آبادان هر روز اشکال نوین تری بخود میگیرد و گسترده است. این همبستگی میتواند نقطه عطف دیگری در جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. بیانیه ای که اخیرا از سوی مردم آبادان منتشر شده حرف دل مردم را بروشنی بیان میکند. حمایت از بیانیه مردم آبادان که در تجمعات روز یازدهم آبانماه پخش شد بیان روشن خواستههای مردم این شهر و همه مردم است. همبستگی با مردم آبادان میتواند امروز بصورت پیوستن به این بیانیه و امضای آن باشد. در این بیانیه مردم آبادان بر چند خواست زیر تاکید کرده اند:

- معرفی و محاکمه کلیه

مسئولین و ارگان های دخیل در فاجعه متروپل و محاکمه علنی آنها، آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان اخیر و پایان دادن به فضای امنیتی شهر آبادان، خروج فوری نیروهای سرکوبی که برای خفه کردن اعتراضات بر حق مردم از شهرهای دیگر به این استان گسیل شده اند.

در این بیانیه مردم آبادان از مردم شهرهای دیگر و همه کسانی که از خواستهها و اعتراضات آنها حمایت و پشتیبانی کردند اعلام قدردانی کرده اند. و در خاتمه آن چنین آمده است: "ما مردم آبادان مثل همه مردم در شهرهای دیگر از آب محرومیم، از هوای سالم محرومیم، از نان محرومیم، از هر گونه تامینی محرومیم و امنیت هم نداریم. ما مطالبه گریم و پیگیر همه مطالباتمان و حق برخورداری از یک زندگی درخور انسان هستیم. ما همه با هم هستیم و تا آخر کنار هم می ایستیم تا به بساط مافیایی فاسد حاکم پایان دهیم. دیگر ظلم بس است. جمهوری اسلامی نابود باید گردد."

بیانیه مردم آبادان فریاد دادخواهی این مردم است و باید وسیعا از خواستههای اعلام شده آن حمایت و پشتیبانی کرد.



جز سرنگونی در انتظار این رژیم نیست. با سرپیچی از اجرای دستورات فرماندهان تفنگ ها را به سوی کسانی نشانه بگیرید که فرمان قتل مردم را می دهند. بگذار جنایتکاران تنها بمانند.

خواهند تفنگ هایشان را بر زمین بگذارند و در برابر خواست مردم سر تعظیم فرود بیاورند. فردا دیر است. نفرت از رژیم و دم و دستگاهش چنان با صلابت و قدرت ابراز می شود که سرنوشت دیگری

وقتی تهدید می کنند و حتی با گلوله معترضین را هدف قرار می دهند صدای مردم بلندتر می شود. مردم به نقطه جوش خود رسیده اند و حاضر نیستند که دیگر هیچگونه خفت و ذلتی را بپذیرند. انبوه اعتراضات مردمی، نیروهای سرکوبگر رژیم را به ستوه در آورده است. حالا دشمنان مردم دارند طعم ذلت و حقارت را بخوبی می چشند. سینماگران صد بار حق دارند که از نظامیان

بیش از ۷۰ سینماگر دیگر به امضا کنندگان بیانیه پیوسته اند. چندی پیش نزدیک به ۱۰۰ تن از سینماگران و هنرمندان ایرانی با انتشار نامه ای از نیروهای انتظامی و نظامی جمهوری اسلامی خواستند تا سلاح هایشان را زمین بگذارند و "به آغوش ملت بازگردند". حالا دیگر معلوم شده است که سلاح تهدید و سرکوب جمهوری اسلامی روی هیچکس و منجمله سینماگران اثری ندارد.

سینماگران دیگر بیانیه "تفنگ را زمین بگذار" را امضا کردند

حسن صالحی

جمهوری اسلامی به سلاح تهدید متوسل شد تا سینماگران امضای خود را از بیانیه "تفنگ را زمین بگذار" پس بگیرند تا این بیانیه بی اعتبار شود. اما روز چهارشنبه ۱۱ خرداد محمد رسول اف، فیلم ساز و یکی از امضا کنندگان این بیانیه اعلام داشت که

خیزش جاری و برآمد جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

ادامه از صفحه ۲
حمید تقوایی: بنظر من این امکان کاملاً وجود دارد. یک فرق اساسی خیزش جاری با آخرین مورد این خیزشها مثلاً ۹۸ اینست که بر متن یک جنبش سرنگونی طلبانه صورت میگیرد که بعد از ۹۸ و بویژه بدنبال انتخاب یک جلال به ریاست جمهوری در جامعه بمراتب گسترده تر و عمیق تر شده است. دولت رئیسی دولت جنگی رژیم است، دولت جنگ رودرو و علنی یک حکومت درمانده با مردم جان به لب رسیده. جنگی که با کشتار ۹۸ آغاز شد و هر روز به نفع مردم و به ضرر حکومت به پیش رفته است. من قبلاً هم بر این واقعیت کرده ام که آنچه در جامعه جریان دارد یک جنگ و مقابله علنی و صریح بر سر بقا است. بقای قدرت و ثروت جانیان حاکم، و یا بقای زندگی و کرامت و منزلت یک جامعه ۸۰ میلیونی؟ جنبش جاری بر سر پاسخگوئی به این سؤال است.

بر متن این شرایط، در چند سال اخیر بخشهای مختلف جامعه بطور سازمانیافته مشغول اعتراض بوده اند. اعتراضات متشکل و سراسری و از نظر دامنه و پیگیری پیشرفته تر از مبارزات گذشته. امروز جنبش کارگری، جنبش معلمان، بازنشستگان رهبری و سازمان خودشان را دارند و مبارزاتشان سازماندهی شده است. وقتی خیزش شهری علیه گرانی و تورم شروع شد و بدنبال آن فاجعه آبادان اتفاق افتاد، بخشهای مختلف جامعه بخشهای کارگری، بازنشستگان و معلمان مشغول اعتراضات سراسری بودند. مدتهاست که مثلاً بازنشستگان

یکشنبه های اعتراض را سازمان میدهند و هر یکشنبه در چندین شهر با خواستهای برحق شان به خیابان می آیند. معلمان هم همینطور جنبش سراسری ای را سازمان داده اند که تنها در یک مورد در

همان روز اول کارگران واحد، و بدنبال آنها کارگران مترو، رانندگان کامیون و کارگران نفت یا اعلام اعتصاب کردند یا اولتیماتوم اعتصاب دادند، یا اعتصاب حمایتی اعلام کردند. فعالین و تشکلهای

این است که اینبار کل جامعه با ابزارها و سازمانها و نهادهایی که طی چند دهه در مبارزه با جمهوری اسلامی تدارک دیده به میدان آمده و این اهرم ها را به دست گرفته است. این بنظر من زمینه بسیار

رهبری مبارزات توده ای و انقلابات و خیزشها در دل همان مبارزات شکل میگیرد و در این مورد هم همینطور است. منتهی روشن است که رهبری از آسمان نازل نمیشود، از صفر شروع نمیکنیم، حزبی میتواند بعنوان رهبر عروج کند که سابقه پربراری از مبارزه بی وقفه علیه جمهوری اسلامی و علیه همه تبعیضات و بیحقوقیها و مصائبی که حکومت به جامعه تحمیل کرده است داشته باشد. چنین حزبی میتواند در این شرایط عروج کند و امر رهبری را در دست بگیرد.

بیش از صد شهر به خیابانها آمدند، تجمع کردند و خواستهایشان را فریاد زدند. و حتی التیماتوم دادند که این آخرین هشدار ما است، جواب بعدی ما قیام است. این حرکات اعتراضی در شرایطی به پیش میرفت که هنوز این شورشهای شهری شکل نگرفته بود. این بار شورش های شهری بر متن یک جامعه فی الحال معترض و فعال رخ میدهد. جامعه ای که بعد از ۹۸ هر روز بیشتر و عمیق تر در برابر جمهوری اسلامی و رئیس جمهور قاتلش قرار گرفته بود و از جمله در جریان مضحکه انتخابات سوت و کور رئیسی علنا اعلام کرده بود رای من سرنگونی است.

به این ترتیب هم از نظر موقعیت جنبشهای اعتراضی و هم فضای عمومی سرنگونی طلبی در جامعه، شرایط امروز با شرایط مثلاً سال ۹۸ متفاوت است. این بار از

مختلف در جنبشهای اعتراضی بیانیه داده اند و از مردم آبادان حمایت کردند، تسلیت گفتند، خواهان این شدند که همه مسئولین جنایت آبادان تحت پیگرد قرار بگیرند، محاکمه بشوند و دیگر خواستهایی که همه جامعه فریاد میزند.

ازینرو میتوان گفت اینبار ما فقط با تظاهرات یا خیزشهای شهری روبرو نیستیم. این محور و قلب قضیه است، این کوره تپنده اعتراضات جاری است، ولی ستون پشتیبانش و آن چیزی که تقویت اش میکند و ما را امیدوار میکند که میتوان اینبار این جنبش ادامه پیدا کند و به پیروزی برسد، به میدان آمدن صفوف کارگران معلمان، بازنشستگان و بخشهای مختلف جامعه و همانطور که شما اشاره کردید حتی سلبرتی ها، سینماگران، هنرمندان و نویسندگان و غیره است. این نشاندهند

مساعدی ایجاد میکند برای اینکه این جنبش را بتوانیم ادامه بدهیم، سازمان بدهیم، رهبری کنیم و به پیروزی برسانیم. **خلیل کیوان:** جنبشهای اعتراضی معلمان، بازنشستگان، کارگران، کامیون داران، نویسندگان و بخشهای دیگری که اشاره کردید بطور مشخص در این جنبش جاری چطور میتوانند نقش بازی کنند؟

حمید تقوایی: به نمونه ای بپردازم که در این لیستی که برشمردید از قلم افتاد و آن جنبش دادخواهی است. این جنبش از ۹۸ به بعد بسیار تقویت و گسترده شد و امروز حتی ابعاد بین المللی پیدا کرده است. دادگاه حمید نوری در استکهلم که به محکومیت او منجر شد، دادگاه آبان تریبونال، دادگاه ایالت انتاریوی کانادا که رسماً تشکیل شد و خامنه ای و سران سپاه را بخاطر شلیک به هواپیمای اوکراینی محکوم کرد، اینها

همه از دستاوردهای جنبش دادخواهی است که در خود ایران هم بسیار فعال است. همین مادران دادخواه بودند که در جریان انتخابات رئیسی علناً اعلام کردند که رای ما سرنگونی است. این نمونه گویائی است که نشان میدهد چطور جنبش دادخواهی هم جزئی از جنبش سرنگونی است. این جنبش بسیار فعال است، و امروز این کاملاً ممکن است که مادران آبادان سر بلند کنند و مادران آبان و مادران خاوران نیز به مادران آبادان ملحق بشوند. فاجعه مترویل آبادان هم برگ سیاه دیگری از پرونده قطور جنایتهای حکومت است که به نوبه خودش یک موجی را در جامعه براه انداخته است. این موج میتواند خودش را سازمان بدهد و بر سر مساله فاجعه آبادان یک عرصه تازه تعرض جنبش دادخواهی و کل جامعه به حکومت باشد.

تا آنجا که به مبارزات کارگران و معلمان و بازنشستگان مربوط میشود از نظر مضمون این مبارزات همیشه خواستار بهبود شرایط معیشتی بوده اند. همیشه خواهان تامین شغلی، بهبود شرایط کار، افزایش دستمزدها و حقوق ها، حق بازنشستگی، حق التدریس معلمان، مخالفت موقت و خواستهای نظیر آن بوده اند و به همین دلیل در قلب جنبش علیه گرسنگی و تورم قرار میگیرند. اگر جامعه الان وارد به استخوانش رسیده و دیگر نمیتواند این تورم و گرانی را تحمل کند بخاطر این است که مدتهاست بزیر خط فقر رانده شده، مدتهاست که یک خانواده کارگری با چند شغل در روز

خیزش جاری و برآمد جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

ادامه از صفحه ۵

هم حتی نتوانسته امرش را بگذارند چه برسد به جوان بیکاری که اصلاً شغلی و کاری نمیتواند پیدا کند. میخواهم بگویم که این جنبشها در مضمون و اهداف خود در هم تنیده است. به یک معنی پرچم جامعه علیه سونامی گرانی و علیه فقر و فلاکت را مدتهاست جنبش کارگری و جنبش معلمان و بازنشستگان بلند کرده است و الان این جنبشها به ملاقات و استقبال خیزشهای شهری میروند. از سوی دیگر این جنبشهای اعتراضی بخشهای مختلف جامعه را خیزشهای شهری به جنبش سرنگونی وصل میکنند. گرچه زمینه این شورشها گرانی و تورم شرایط سخت معیشتی است ولی شعارها و خواستههایش علیه کل حکومت و صریحا و آشکارا سرنگونی طلبانه است. مردم در تظاهراتهای شهری علیه حکومت اند، علیه بسیج هستند، علیه رهبر الدنگ ما شعار میدهند، بسیج برو گمشو، آخوند برو گمشو شعار

میدهند. "از رکس تا متروپل، بسه دیگه تحمل" شعار میدهند. اینها شعارهای اساسی است که همه جامعه و همه جنبشهای اعتراضی با آنها همدل و همراه اند. این شرایط این چشم انداز را در مقابل ما قرار میدهد که خیزشی که آغاز شده این بار ادامه دار است، بخشهای مختلف جامعه دارند به خودشان سازمان میدهند، جنبش کارگری دارد خودش را برای اعتصابات سراسری آماده میکند، معلمان و بازنشستگان همچنان به تجمعاتشان ادامه میدهند، حتی سلبرتیها و هنرمندان به میدان می آیند و غیره. در کل شما یک جامعه به پا خاسته را می بینید که با تمام اهرمها و امکانات مبارزاتی اش علیه حکومت به خیابان آمده است. **خلیل کیوان:** در حال حاضر رهبری واحد و قابل قبولی برای جنبش سرنگونی شکل نگرفته است. خلاء رهبری و سازمان را چگونه میتوان در جنبش جاری پر کرد؟ حمید تقوایی: رهبری

مبارزات توده ای و انقلابات و خیزشها در دل همان مبارزات شکل میگیرد و در این مورد هم همینطور است. منتهی روشن است که رهبری از آسمان نازل نمیشود، از صفر شروع نمیکنیم، حزبی میتواند بعنوان رهبر عروج کند که سابقه پرباری از مبارزه بی وقفه علیه جمهوری اسلامی و علیه همه تبعیضات و بیحقوقیها و مصائبی که حکومت به جامعه تحمیل کرده است داشته باشد. چنین حزبی میتواند در این شرایط عروج کند و امر رهبری را در دست بگیرد. من فقط تصویری میدهم که چه نوع نیروی، چه نوع حزبی میتواند شایسته رهبری باشد.

حزبی شایسته رهبری است که بتواند صدای مردم و نماینده مردم باشد و حقیقت را، حقیقت اعتراضات و اعتصابات را، در یک تریبون توده ای، مثلا در یک تلویزیون ۲۴ ساعته، مدام پوشش بدهد، راه نشان بدهد، و فعالین اعتراضات شهری،

فعالین کارگری و فعالین معلمان و جنبشهای اجتماعی با آن تماس بگیرند و حرف دلشان را بزنند و صدای اعتراضشان را بلند کنند. حزبی که از مدتها قبل، وقتی خیلی از نیروهای دیگر اپوزیسیون با جنبش سبز و بنفش احساس همراهی میکردند، پرچم سرنگونی را بلند کرده و حرکتی مثل کنفرانس برلین را آفریده است و اجازه نداده است دوخردادی های آنزمان برای رژیم آبرو بخرند.

حزبی شایسته رهبری است که با فعالین جنبش کارگری و جنبش معلمان و بازنشستگان در ارتباط باشد و بازتاب سیاستها و شعارهایش در جنبشهای اجتماعی قابل مشاهده باشد.

حزبی میتواند رهبر انقلاب باشد که در خارج کشور پرچم بایکوت و انزوای جهانی جمهوری اسلامی را برافراشته است، جلوی برپائی دادگاههای شریعه در ایالت انتاریو

کانادا را گرفته است، و همین دو هفته قبل مسابقه فوتبال یا "فوتبال شوئی" را همراه با انجمن خانواده های جانبازان سقوط هواپیما در کانادا ملغی کرده است.

حزبی میتواند رهبر باشد که هزاران پناهنده را از جهنم جمهوری اسلامی نجات داده است، امکان زندگی انسانی برایشان فراهم کرده و از دیپورت شان جلوگیری کرده است.

حزبی میتواند رهبر باشد که حتی در اپوزیسیون هم منشاء اثر بوده و جان سکینه محمدیها و کبری رحمانپور ها و افسانه نوروزی هارا از اعدام و سنگسار نجات داده است.

چنین حزبی شایسته رهبری است. این حزب وجود دارد و من افتخار عضویت در آن را دارم. همگان را به پیوستن به این حزب فرامیخوانم.

۱ ژوئن ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سردبیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه
انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.
فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiiran
اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91
تلگرام: @wpi_91
وبسایت: www.wpiiran.org

به بهانه هفتادمین سال سلطنت ملکه بریتانیا

عبدل گلپریان



تحت عنوان غنائم جنگی و نهایتا کشورگشایی نبوده است. مدرنیته، فرهنگ و تمدن پیشرو حداقل از دهه دوم قرن بیستم به بسیاری از این ملاکین و میراث داران سلطنت که قرار بود تا ابدالدهر بر انسان و انسانیت حکمرانی کنند پایان داد.

تبلیغاتشان تعریف و تمجید از شخص ملکه نیست بلکه از دکان سلطنت است. این در حالی است که نسل جدید و جوانان در بریتانیا خواهان پایان دادن و کنار زدن این ساختار پوسیده و بی ربط به زندگی‌شان هستند.

از روز پنجشنبه دوم ژوئن تا روز یکشنبه پنجم ژوئن به مدت چهار روز قرار است مجلل ترین مراسم و پرهزینه ترین مخارج صرف سالگرد هفتاد سال سلطنت ملکه بریتانیا برگزار شود. هزینه ای که می توانست به عنوان مسکنی موقت میلیونها کودک گرسنه در چهار گوشه جهان را از مرگ حتمی نجات دهد. نکته قابل توجه تمجید و تعریف رسانه های فارسی زبان از "عطوفت، خوش اخلاقی و مردم داری" ملکه است. دمیدن در بوق و باد زدن جایگاه سلطنت بریتانیا گویا مرهمی است بر هزاران زخم و دردی که امروز مردم با آن دست گریبان هستند.

امروز این ساختار ماقبل فئودالی نه تنها برازنده توقع و آرمانهای انسانی عصر حاضر نیست بلکه لکه ننگی بر پیشانی جامعه مدرن و انسانی است. سلطنت بریتانیا دست در دستان شبکه عقیم شده کلیسا به عقب رانده شده است اما هنوز تحت عنوان میراثی مادام العمر از مالیات و از دسترنج

سالگرد جشنی برگزار می شود که بنیادش با "آفتاب در مستعمرات امپراتوری بریتانیا غروب نمی کند" تاسیس شده است. این تنها خصیصه سلطنت در بریتانیا نبود. تاریخ پادشاهان در هر گوشه ای از دنیا چیزی جز لشکرکشی، غارت، تجاوز به زندگی مردم، اسارت انسان و تصاحب اشیا

برای کسب سود و سرمایه، آنچه را که شایسته انسان و انسانیت بوده، در طول تاریخ لگد مال کرده اند. به این غده های سرطانی باید برای همیشه پایان داد و پرچم انسانیت را محکم برافراشت.

میلیونها شهروند در مقیاس یک حکومت مستقل، ملک و املاک و ثروت و سامان اندوخته است.

انسان شایسته مناسباتی، آزاد، برابر و انسانی است. همه ادیان و ساختار سلطنت با ملی گرایی، قومی گری و غیره دست در گردن هم

عبدل گلپریان

۲ ژوئن ۲۰۲۲



حکومت مردم نه فقط از دیکتاتوری و یکه تازی آخوند و اسلام خود را خلاص میکنند، بلکه به حاکمیت کل مافیای مفتخور سرمایه دار که خون مردم را در شیشه کرده نیز پایان خواهند داد.

بعد از فاجعه آبادان، اقدام فوری حکومت گسیل نیروی سرکوب به خوزستان و دستگیری شمار زیادی از مردم بوده است. بنابراین شمخانی بیهوده تقلا میکند رد پای خود و حکومتش را پاک کند. با سرنگونی این

بزرگترین آواری که بر مردم کشور فرود آمده، حکومت اسلامی است. اینکه حکومت اسلامی و امثال شمخانی مسبب فجایع هر روزه در کشور هستند، نیازی به اثبات رابطه خانوادگی ندارد. حتی

را ایجاد کردند."

خانواده شمخانی و مشخصا برادر زاده اش مناسبات نزدیک خانوادگی با حسین عبدالباقی مالک متروپول دارند و شواهد زیادی وجود دارد که همین ارتباط و امکان رانت خواریها و اختلاسها، به منبع ثروتها و درآمدهای نجومی برای عبدالباقی تبدیل شده و به او امکان داده است که برای ساختمانهای لرزان و خطرناک مجوز بگیرد. اکنون جناب شمخانی که خود یکی از دزدان و جنایتکاران با سابقه حکومت اسلامی است، کل ماجرا را به تبلیغات "خارج نشینان" نسبت میدهد و از دو آوار سخن میگوید.

شمخانی و مافیای متروپول

کاظم نیکخواه

علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت حکومت اسلامی روز ۱۰ خرداد، در جمع شماری از خوزستانی‌های مقیم تهران گفت: "خانواده‌های داغدار آبادانی در این حادثه دهشتناک زیر بار دو آوار قرار گرفتند، نخست آوار فرو ریختن ساختمان و دیگری آوار روانی هدایت‌شده از سوی بازماندگان ورشکسته‌های سیاسی که سال‌ها قبل فاجعه سینما رکس آبادان

سرنگون باد جمهوری اسلامی

وضعیت معلمان زندانی و کارزار برای آزادی معلمان دربند



اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان انجام شد. نهادهای امنیتی تلاش می‌کنند تا فعالان صنفی بازداشت‌شده را به اتهام «همکاری با دشمن» و «گرفتن دستور از خارج از کشور» مجازات کنند. معلمان با کارزاری گسترده علیه این سرکوبها ایستاده اند.

- عصر روز چهارشنبه ۱۱ خرداد مسعود فرهیخته که در تجمع معلمان در دهم خرداد بازداشت شده بود، تماس کوتاهی با خانواده داشته است. مسعود فرهیخته از اعضای هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر و تیم مذاکره کننده شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران است که روز سه شنبه ۱۰ خرداد در سندج دستگیر شد. این تجمع در اعتراض به ادامه دستگیریها و تشدید سرکوبگری های حکومت برگزار شده بود.

- ۱۵ نفر از معلمان در حمایت از معلمان زندانی و در اعتراض به پرونده سازی علیه فعالان صنفی و به ویژه در همراهی با اعتصاب غذای سخنگوی شورای هماهنگی اسکندر لطفی اعلام اعتصاب کردند. در این بیانیه خواستار این شده اند که با حمایت از کنشگران صنفی و نیز حمایت از سخنگوی شورای هماهنگی و دیگر معلمان زندانی مانع انجام پروژه های سرکوبگرانه علیه آنها گردند. امضاء کنندگان این بیانیه عبارتند از: محسن عمرانی / بوشهر، محمدرضا خراسان / رضائزاده / شمالی، عزیز قاسم زاده / گیلان، طاهر قادر زاده / کردستان، عبدالله رضایی / هرسین، رضا مسلمی / همدان، آمانج امینی / کردستان، مرتضی الیاسی / لرستان، پروین اسفندیاری / تهران، اصغر حاجب / بوشهر،

فرهنگیان ایران، علی رغم تامین وثیقه، قرار بازداشت او بدون زمان مشخص تمدید شده است. جعفر ابراهیمی با وجود اتمام بازجویی ها در هفته ی گذشته، به قصد فشارهای بیشتر مجددا زیر بازجویی قرار گرفته است. از شنبه هفتم خرداد تماس جعفر ابراهیمی با خانواده اش قطع است.

- محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان بنا به گفته بازرس و بازجوی پرونده اش، قرار بود با سپردن وثیقه به طور موقت آزاد شود. اما چهارشنبه ۱۱ خردادماه، قرار بازداشت او به مدت یک ماه دیگر تمدید شد. محمد حبیبی به اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» متهم شده و هم‌اکنون در یکی از اتاق‌های عمومی بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین در کنار ۱۲ متهم با اتهامات غیرعقیدتی نگهداری می‌شود. محمد حبیبی در این هفته با خانواده اش یک تماس تلفنی و دو ملاقات کابینی داشته است. محمد حبیبی ۱۰ اردیبهشت سال جاری به‌همراه علی اکبر باغانی، رسول بداتی و جعفر ابراهیمی، سه تن دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان تهران بازداشت شد و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردید. این بازداشت یک روز قبل از تجمع سراسری معلمان در بیش از ۴۰ شهر در

اعتصاب غذا کرده و در ششمین روز اعتصاب از زندان مرکزی کرج به زندان کچوئی این شهر منتقل شد. بنا بر خبرها به عبدی اعلام شده بود که در خوشبینانه ترین حالت، ارجاع پرونده وی به دیوان عالی کشور مستلزم سه سال زمان است و در اعتراض به این گفته او دست به اعتصاب غذا زده است. اسماعیل عبدی نهایتاً در تاریخ ۲۴ اردیبهشت بدنبال وعده هایی که به وی داده شد، به اعتصاب غذای خود پایان داد. از آن زمان تاکنون این معلم معترض بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در سالن ۱ بند قرنطینه این زندان نگه داشته شده است.

اسماعیل عبدی در تاریخ ششم تیرماه ۹۴ زمانی که برای پیگیری علت ممنوع الخروج بودن خود به دادرسی اوین مراجعه کرده بود پس از ساعت ها بازجویی، بازداشت شد و بعد از ۶ ماه حبس به ۵ سال زندان محکوم شد. سپس در حالیکه ماه های پایانی دوران محکومیت پنج سال اش را طی میکرد در سال ۹۹ با اجرای حکمی مواجه شد که در سال ۹۰ صادر و به حالت تعلیق در آمده بود.

- بنابر اخبار واصله به دنبال پیگیری های مجدد خانم سمانه عابدینی همسر جعفر ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی تشکل های صنفی

- امروز ۱۲ خرداد رسول بداتی با خانواده خود تماس گرفت و اعلام کرد که در بند عمومی است و معلم بازداشتی فرانسوی را به بند دیگری منتقل کرده اند. بنا بر خبر حکومت اسلامی سول بداتی را به ۵ سال زندان، دو سال ممنوع الخروجی، ۲ سال خروج اجباری از تهران و استان های هم جوار محکوم کرده و این حکم ظالمانه در دادگاه تجدید نظر رژیم نیز مورد تایید قرار گرفته است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن اعتراض به این حکم ضد انسانی، بر باطل شدن آن تاکید کرده است.

- فاتح مجیدی، معلم اخراجی و فعال کارگری در اعتراض به تداوم بازداشت غیرقانونی و بلا تکالیفی وضعیتش، وارد چهارمین هفته از اعتصاب غذای خود شده است. او در هفتم اردیبهشت ماه بازداشت شد. و پیشتر نیز ۸ سال در زندان رجایی شهر کرج زندانی بوده است.

- اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان دوران محکومیت خود را بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در بند قرنطینه زندان کچوئی کرج سپری می‌کند. آقای عبدی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه در اعتراض به نپذیرفتن درخواست اعاده دادرسی و دستگیریهای فله ای

خان عزیز اسماعیلی / اسلام آباد غرب، یعقوب یزدانی / خراسان شمالی، اردشیر صیادی / بوشهر، وحید میرشکار / تهران، ولی میرزا سیدی / تهران، پروین سلیمی / تهران، مرضیه طلائی / کردستان، شهرزاد قدیری / تهران، مهدی فتحی / پاسارگاد، محمود ملاکی / بوشهر، احمد قادری / کردستان، زینب سپهری / تهران، صلاح آزادی / کردستان، محمد حسن پوره / تهران، معصومه دهقان / تهران، فرزانه داودپور / کرج، فرامرز خدائشناس / تهران، شهریار نادری / کرمانشاه، و محبوبه فرحزادی / تهران.

- روز ۱۱ خرداد مهرداد یغمایی از معلمان استان فارس پس از ۲۱ روز بازداشت آزاد شد. آزادی او نتیجه کارزاری گسترده برای آزادی همه معلمان زندانی است. آزادی مهرداد یغمایی را به او و به همه معلمان و همگان تبریک می‌گوییم. مزگان باقری، محمد عالیشوندی، اصغرامیرزادگان، غلامرضا غلامی کندازی، حمید عباسی، عبدالرزاق امیری، محمد علی زحمتکش و ایرج رهنما از دیگر معلمان زندانی از استان فارس هستند. علاوه بر این افراد همانگونه که اشاره شد هم اکنون محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، رسول بداتی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، نوروز علی رشیدی، مسعود فرهیخته و مجید کریمی از جمله معلمان هستند که در فاصله ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر تا کنون در زندان بسر می‌برند. معلمان زندانی، کارگران دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

جنبش معلمان یک سنگر مهم جنبش کارگری و صدای اعتراض همه مردم است. جمهوری اسلامی با

۱۱ خرداد: فضای انفجاری آبادان و گسترش همبستگی‌ها

در آبادان همچنان فضای انفجاری و اعتراض حاکم است. شب گذشته آبادان حالت حکومت نظامی داشت و اکثر خیابانها بسته بود. مغازه ها در ساعات اولیه شب بسته شد و نیروی انتظامی در شهر حضور گسترده ای داشت. در جاهایی مردم تلاش به برپایی تجمع کردند که با گاز اشک آور مورد حمله سروکوبگران قرار گرفتند و پراکنده شدند. مردم از هر فرصتی برای بلند کردن فریاد اعتراضشان استفاده میکنند.

جوانان با به آتش کشیدن اتوبوس نیروهای سروکوبگر حکومت تلاش میکنند فضا را بر آنها تنگ کنند. یکی از صحنه های اعتراضی مردمی در روز گذشته بستن جاده اهواز به اندیمشک توسط مردم با آتش زدن لاستیک بود. خروج تمامی نیروهای سروکوبگر گسیل شده به آبادان و پایان دادن به فضای امنیتی شهر یکی از مطالبات فوری مردم است. گروه های امداد رسانی

اخبار کذب جمهوری اسلامی به جای کمک رسانی، آتش خشم مردم را صد چندان کرده است. از همان ابتدای کار کمک رسانی اساسا توسط خود مردم انجام گرفته و سازمانیافته است. یک بخش از نیروی مردمی که در این کار فعالیت داشتند از کارگران پالایشگاه آبادان بودند.

شب گذشته مردم شهرهای دیگری چون شادگان، کیش، و فولاد شهر به خیابان آمدند و با فریاد مرگ بر دیکتاتور همبستگی خود را با مردم آبادان و علیه حکومتیان بلند کردند. در کیش مردم گرد آمده و به یاد قربانیان متروپل شمع روشن کردند. تجمع آنها با حمله نیروهای امنیتی روبرو شد و شماری هم بازداشت شدند. در شهر شادگان مردم با آتش زدن لاستیک و تجمع کردن و فریاد شعارهای ضد حکومتی به حمایت از مردم آبادان برخاستند. در همین شبهای اعتراض مردم تجمع و اعتراض داشتند حکومت اسلامی نیروی سروکوب بسیاری مستقر کرده است و فضا بشدت امنیتی است. روز گذشته در شهر ری نیز مردم با تجمع در وسط شهر و شعار مرگ بر دیکتاتور با مردم آبادان اعلام همبستگی کردند. در محلی از تهران هم مردم

گردهمایی ای در همبستگی با مردم آبادان داشتند و با شعار مرگ بر ستمگر صدای اعتراضشان را علیه حکومت جنایت و سرکوب بلند کردند.

در چند روز اخیر شمار بسیاری از مردم معترض در آبادان و در شهرهای دیگر از جمله در جزیره مینو، کیش، خرمشهر و شادگان بازداشت شده اند. یک خواست مردم آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان است. اسامی هفت نفر از بازداشت شدگان در آبادان عبارتست از: علی فرطوسی، عقیل عموری، محمد فرطوسی، حمید فرطوسی، یلدا معیری، آرش قلعه گلاب و جمال موسوی. لیست کامل اسامی دستگیر شدگان اخیر را باید اعلام کرد و با کارزاری قدرتمند و سراسری برای آزادی تک تک آنها و باز کردن در زندانها تلاش کنیم.

جدا از تظاهرات های شبانه و تجمعات حمایتی از مردم آبادان این روزها شاهد اشکال دیگری از همبستگی ها از سوی مردم هستیم. یک نمونه آن اعلام حمایت از سوی مادران جانبختگان آبادان است که با نصب دست نوشته هایی در خیابان و تهیه فیلم از آن با مردم آبادان اعلام همبستگی کرده اند. نمونه زیبایی دیگرش تقدیم آوازی

از سوی محمد سعیدی ابواسحاقی است که سروده سیمین بهبهایی را خوانده است. مورد اخیر دیگر در حین مسابقه استقلال در ورزشگاه آزادی بود که تماشاچیان با در دست گرفتن عکس جانبختگان خیزش آبادان ۹۸، ادامه آبادان را فریاد زدند و وریا غفوری باز هم از مردم دفاع کرد.

نمونه دیگر از این همبستگی ها انتشار بیانیه "تفنگ را زمین بگذار" از سوی نزدیک به صد نفر از سینماگران است که بنا بر خبر منتشر شده از سوی محمد رسول اف نویسنده و کارگران در اینستاگرامش، تماسهای بسیاری از سوی نهادهای امنیتی با امضا کنندگان این بیانیه صورت گرفته است و از آنها خواسته شده که امضا های خود را پس بگیرند و یا با خبرگزاری ها برای پی اعتبار کردن بیانیه مصاحبه کنند و این فشار ها با شدت تمام ادامه دارد. تمام این تفلایهای حکومت بیش از هر چیز فشار کمر شکن برگرده این حکومت ننگین و منفور را بازتاب میدهد.

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ خرداد ۱۴۰۱، ۱ ژوئن ۲۰۲۲

در همبستگی و حمایت از مبارزات مردم در

ایران، به ویژه مردم خوزستان در شهرهای کانادا!

ماه‌با

آبادان

هستیم

یکشنبه ۵ جون ۲۰۲۲

تورنتو - میدان مل لستمن ساعت ۴ عصر

ونکوور - آرت گالری ساعت ۴ عصر

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

با ما همراه شوید

در همبستگی و حمایت از مبارزات مردم ایران به ویژه

مردم مبارز خوزستان در ونکوور!



زمان: ۴ بعد از ظهر یکشنبه ۵ جون

مکان: ونکوور آرت گالری

تلفن تماس: ۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶

کمیته هماهنگی برای همبستگی با مبارزات مردم ایران

۱۰ خرداد: ادامه اعتراضات در آبادان و دیگر شهرها

۱۰ خرداد: ادامه اعتراضات در آبادان و دیگر شهرها

آبادان همچنان در التهاب و اعتراض است. شب گذشته مردم در این شهر با نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی درگیر شدند و شعار مرگ بر دیکتاتور، توپ، تانک، فشفشه آخوند باید گم بشه سر دادند. نیروهای سرکوبگر حکومتی نیز به مردم معترض شلیک کردند. همچنین تجمعات در همبستگی با مردم این شهر و علیه بساط مافیایی

جنایتکار حاکم ادامه دارد. شب گذشته مردم در کرمانشاه در خیابان نوبهار در حمایت از مردم آبادان به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی و آبادان تسلیت، تسلیت سر دادند.

در تهران در نازی آباد مردم در حمایت از مردم آبادان به خیابان آمده و تجمع کردند و با فریاد مرگ بر دیکتاتور با نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی درگیر شدند.

بنا بر گزارشات دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان نیز مراسمی در گرامیداشت قربانیان فاجعه متروپل آبادان برپا کردند. همچنین دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل ل با برپایی مراسمی، یاد جانبختگان فاجعه متروپل آبادان را گرامی داشتند. این دانشجویان ضمن نمایش تصاویری از قربانیان این

جنایت و روشن کردن شمع، همدردی و همبستگی خود را با خانواده‌های جانبختگان متروپل ابراز کردند. آنها با تجمع در محوطه دانشگاه و حمل پلاکاردهایی با مضمون ابراز تسلیت، همدردی و همبستگی خود را با یازماندگان فاجعه متروپل آبادان اعلام کردند. در بوشهر در منطقه چغادک گورگ مردم برای ممانعت از حرکت نیروهای حکومتی، با آتش زدن لاستیک خیابان را سد کردند و شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "دشمن ما همینجاست/ دروغ میگن آمریکاست" سر دادند. در شادگان نیز مردم در حمایت و همبستگی با مردم آبادان تجمع کردند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در ایده نیز جوانان شهر در همبستگی با مردم آبادان و علیه جنایتکار

جمهوری اسلامی به خیابان آماده و با آتش زدن لاستیک جاده‌ها را مسدود کردند و شعار دادند. بنا بر خبرهای دریافتی واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری در جریان فروریزی ساختمان متروپل تا این زمان دستکم ۵۰ نفر قربانی شده‌اند. اما آمار حکومت به درگذشت ۳۴ نفر اشاره دارد. خواست فوری مردم محاکمه عاملین این جنایت و پرداخت خسارت به آسیب دیدگان و بازماندگان قربانیان است. از سوی دیگر در جریان اعتراضات مردمی در آبادان و شهرهای مختلف طی این مدت شماری از مردم بازداشت شده‌اند. از جمله یلدا معیری عکاس خبری و مستندساز که جهت تهیه تصاویری برای پوشش خبری به آبادان رفته بود، از روز شنبه هفتم خرداد ماه ناپدید شده است.

همچنین آرش قلعه گلاب شاعر و روزنامه نگار و نویسنده در آبادان که در تظاهرات مردمی سه شب قبل در آبادان حضور داشت، زمانیکه مشغول گرفتن آب برای توزیع در جمعیت از یک فروشگاه بود همراه با ضرب و شتم بازداشت و از آن زمان خبری از او نیست. طبق همین گزارشات. شب گذشته نیروهای امنیتی به منزل تعدادی از جوانان معترض شهر ریخته و نزدیک ۲۰۰ نفر بازداشت شده‌اند. یک خواست فوری مردم آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان است.

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ خرداد ۱۴۰۱، ۳۱ مه ۲۰۲۲

وضعیت معلمان زندانی و کارزار برای آزادی معلمان دربند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)

Shahla.daneshfar
2@gmail.com
https://free-them-now.com/

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)
۱۲ خرداد ۱۴۰۱، ۲ ژوئن ۲۰۲۲

از روی سر معلمان و بویژه معلمان زندانی بردار و کاری کند که معلمان زندانی مجبور نباشند به شیوه اعتصاب غذا اعتراضشان را بیان کنند.

مبارزات معلمان باید وسیعاً حمایت کنیم. با قدرت مبارزاتمان سرکوبگرهای حکومت را عقب بزنیم. اعتراض سراسری ما میتواند فشار را

ادامه از صفحه ۸
تشدید سرکوبگری‌ها تلاش میکند اعتراضات قدرتمند معلمان را عقب براند. از خواسته‌ها و

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله‌ها، رانتخواران و میلیاردرها غارت کرده‌اند، میتوان بلافاصله بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و آب و برق و گاز را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه‌ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی، برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید! ۵/۱/۱

کارگر، معلم، پرستار، بازنشسته، دانشجو

اتحاد، اتحاد



برخی از شعارهای اعتراضات مردمی

<p>نمیخواهیم نمیخواهیم این شعارها در کنار اعتراضات گسترده مردمی علیه فقر، تبعیض، نابرابری، دزدیها و اختلاسها و سرکوبگریهای حکومت انقلابی انسانی با خواستهای انسانی را در چشم انداز جامعه قرار داده است. جمهوری اسلامی نابود باید گردد. کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - واحد خوزستان ۹ خرداد ۱۴۰۱، ۳۰ مه ۲۰۲۲</p>	<p>مرگ بر اصل ولایت فقیه فرمانده کل قوا استعفا استعفا ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما ما همه اهل جنگیم، بجنگ تابجنگیم مرگ بر ستمگر مرگ بر جمهوری اسلامی - تا دیکتاتور رو کاره/ قیام ادامه داره فقر، تبعیض، جنایت/ مرگ بر این ولایت - آزادی، آزادی، آزادی زندانی سیاسی آزاد باید گردد جمهوری اسلامی نابود باید گردد جمهوری اسلامی</p>	<p>توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه مرگ بر دیکتاتور اینهمه سال جنایت، مرگ بر این ولایت دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم خامنه‌ای قاتله ولایتش باطله"، بسیجی برو گمشو خامنه‌ای حیا کن، مملکت را رها کن رئیس حیا کن مملکتو رها کن فقط کف خیابون به دست میاد حقمون مرگ بر خامنه‌ای مرگ بر رئیسی</p>	<p>بسیاری گرفت و همین امروز نیز لیست 50 ساختمان عمومی و مرکز کاری منتشر شده است که نا امن هستند و هر آن ممکن است موجب فجایع انسانی دیگری شوند و باز هم قربانی بگیرند. مردم به کل این بساط تقلب و فساد و جنایت اعتراض دارند. اعتراضاتی که در آنها مردم با سر دادن شعارهای کوبنده علیه کل حکومت مافیای اسلامی به خیابان آمده و نابودی این رژیم را فریاد میزنند. برخی از شعارهای اعتراضات مردمی که در کف خیابان فریاد زده میشود عبارتند از:</p>	<p>فروپاشی ساختمان متروپل آبادان یک فاجعه انسانی بود که علی‌رغم هشدارهای قبلی بدان پی توجهی شد و یک جنایت بزرگ دیگر را دامن زد. در اعتراض به این موضوع چند روز است که آبادان قرار و آرام ندارد و در شهرهای متعدد دیگری نیز مردم علیه حکومت فاسد حاکم و در همبستگی با مردم آبادان اعتراض میکند و شعار میدهند. مردم کل بساط مافیایی حاکم را عامل و مسبب این جنایت میدانند. جنایتی که قبلاً نیز نظیر آنرا در پلاسکو در تهران شاهد بودیم و از مردم قربانیان</p>
--	---	--	--	---

برخی از شعارهای اعتراضات مردمی در ایران:

<p>مرگ بر جمهوری اسلامی تا دیکتاتور رو کاره / قیام ادامه داره فقر، تبعیض، جنایت / مرگ بر این ولایت آزادی، آزادی، آزادی زندانی سیاسی آزاد باید گردد جمهوری اسلامی نابود باید گردد جمهوری اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم آزادی برابری حق مسلم ماست</p>	<p>مرگ بر خامنه‌ای مرگ بر رئیسی اینهمه سال جنایت، مرگ بر این ولایت مرگ بر اصل ولایت فقیه فرمانده کل قوا استعفا ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما ما همه اهل جنگیم، بجنگ تا بجنگیم مرگ بر ستمگر</p>	<p>توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست نترسید، نترسید ما همه هستیم خامنه‌ای قاتله ولایتش باطله" بسیجی برو گمشو خامنه‌ای حیا کن، مملکت را رها کن رئیس حیا کن مملکتو رها کن فقط کف خیابون به دست میاد حقمون</p>
--	---	---

با گسترش اعتراضات یاد قربانیان فاجعه متروپل را گرامی میداریم

عاملین و مسببین این جنایت باید محاکمه شوند

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - واحد خوزستان

شهرهای دیگر از جمله مطالبات فوری مردم است. واحد خوزستان، مردم در تمام شهرهای این استان و دیگر مناطق را به ادامه حمایت و همبستگی با مردم آبادان و خواستههایشان فرا میخواند. کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - واحد خوزستان
۹ خرداد ۱۴۰۱، ۳۰ مه ۲۰۲۲

مردم آبادان با شعارهای ضد حکومتی به خیابان آمده و با مردم آبادان اعلام همبستگی میکنند. محاکمه عاملین فاجعه انسانی متروپل، پرداخت خسارت به مردمی که آسیب مالی و جانی دیده اند، خروج نیروهای سرکوب آبادان و دیگر شهرها، پایان دادن به امنیتی کردن شهر، آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان این اعتراضات در آبادان و

اعتراضاتشان در چند روز اخیر با شعارهای کوبنده فریاد اعتراض خود را علیه حکومت مافیایی حاکم و جنایاتش بلند کرده و هم اکنون شهر آبادان یکپارچه خشم و اعتراض است. همچنین در همین مدت مردم در شهرهای متعدد دیگری از جمله خرمشهر، اهواز، اندیمشک، امیدیه، شیراز و مناطقی از تهران، جزیره مینو، شاهین شهر، مسجدسلیمان، ایذه، آغاجری در همبستگی با

شهر و عبدالباقی مالک ساختمان متروپل را که خود یکی از وابستگان حکومتی بوده است، عامل و بانی این جنایت هولناک میدانند. مردم از نادیده گرفتن هشدارهای قبلی امنیتی در مورد وضعیت خطرناک این ساختمان که اکنون منجر به چنین فاجعه ای شده است از حکومت و مقامات دست اندر کار شهر و عبدالباقی مالک ساختمان متروپل بشدت خشمگینند و در

جانباختن شمار بسیاری از مردم در جریان فروریزی ساختمان متروپل در آبادان نتیجه فساد و تقلب و دزدی در تار و پود مافیای حاکم است که همه چیزش حتی ساختمانها بر بنیاد تاراج بنا شده است.

تاکنون اسامی ۳۹ نفر از قربانیان فاجعه انسانی متروپل منتشر شده است که عبارتند از: سجاد احمدزاده - پیمان باوندی - کاظم ناصر مطوری - مرتضی ابراهیمی مقدم - امیر گزناوی - طارق قییم - کریم بندری - معدی اسماعیلی - حسین سیدوای - مسیح صادقی - نادیا کعبی - سالار کشفی - علی رضا بغلانی - امین بحرانیان - فوزی جلیلیان - عرفان جلیلیان - آرین جلیلیان - علی نیکپور - رامین معصومی - شیرین معصومی - مریم قربانی - علی رضا دریس - هاشم بحرانی - دانیال خسروی - محسن صالحی زاده - آمنه امینی نیا - حسن مطوری - منظر مطوری - کیومرث علی مدد - میترا صالحیان - ملیکا صالحیان - فاطمه صالحیان - امیر لفتوی - حسین سعیدوای پور - منصور عیدانی - سیروس فروردین - آقای شیرین کلام - رحمان بهبهانی - رحیم بهبهانی

واحد خوزستان حزب کمونیست درگذشت این عزیزان را به خانواده هایشان، به مردم آبادان و به همگان تسلیت میگوید. پاسخ چنین جنایاتی اعتراضات گسترده مردم و پایان دادن به بساط مافیایی و جنایتکار حاکم است.

مردم آبادان حکومت و مقامات دست اندر کار



ادامه تظاهرات در چند شهر، بیانیه سینماگران خطاب به نیروهای سرکوب

مردم مراسم عزاداری حکومتی را به اعتراض علیه حکومت تبدیل کردند

نیز جریان دارد. از جمله امروز بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای مشهد، تبریز، کرمانشاه، قزوین، اهواز و شوش تجمع داشتند و پرستاران شاغل در تامین اجتماعی در تهران تجمع کردند. اعتصابات سراسری، تجمعات سراسری، اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف جامعه و پیوستن شهرهای بیشتر به تجمعات اعتراضی در همبستگی با مردم آبادان و به اعتراضات در کف خیابان ها تداوم و قدرت می بخشد. جمهوری اسلامی باید نابود گردد. به هر شکل ممکن با اعتراضات مردمی باید همراهی کرد. نابود باد حکومت اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران ۸ خرداد ۱۴۰۱، ۲۹ مه ۲۰۲۲

بگذارند و به مردم بپیوندند. امضاکنندگان این بیانیه با اشاره به جنایتی که در آبادان بوقوع پیوسته، از همه افرادی که در یگان‌های نظامی تبدیل به عامل سرکوب مردم شده‌اند، خواسته‌اند که سلاح‌های خود را بر زمین بگذارند و به آغوش مردم بازگردند. آنها نوشته‌اند: "اکنون که خشم عمومی از فساد، دزدی، ناکارآمدی سرکوب و خفقان، امواج همبسته‌ای از اعتراضات مردمی را به دنبال داشته است از همه افرادی که در یگان‌های نظامی تبدیل به عامل سرکوب مردم شده‌اند می‌خواهیم سلاح‌های خود را بر زمین گذاشته و به آغوش ملت بازگردند". خانواده‌های قربانیان هواپیمای اوکراینی نیز ضمن هم‌دردی با بازماندگان فاجعه متروپل با مردم معترض اعلام همبستگی کردند.

در کنار اعتراضات کف خیابانی اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه از جمله بازنشستگان، معلمان، کارگران، پرستاران

مردم آبادان به خیابان آمدند. در مسجد سلیمان نیروی سرکوب به مردم یورش برده و با مردم درگیر شد. در کازرون مردم در همبستگی با مردم آبادان و به یاد قربانیان فاجعه متروپل شمع روشن کردند. در خرمشهر بنا بر خبرها در منطقه سلیج بین مردم معترض و نیروهای سرکوبگر درگیری رخ داد.

مردم در آبادان و شهرهای مختلف مراسم عزاداری حکومتی را به تظاهرات های ضد حکومتی و صحنه خشم و نفرتشان از حکومت مافیایی حاکم تبدیل کردند. علاوه بر تظاهرات ها در کف خیابان، بیانیه های حمایتی از سوی بخش های مختلف جامعه شکلی از همبستگی ها و بلند کردن صدای اعتراض علیه حکومت است. در گزارشات قبلی نمونه های آنرا اشاره کردیم. در ادامه این همبستگی ها امروز هشتم خرداد حدود ۱۰۰ سینماگر ایرانی طی بیانیه ای از نیروهای سرکوب حکومت خواستند سلاحهایشان را زمین

شروع به صحبت کرد مردم با فریاد "بیشرف، بیشرف" او را ساکت کردند و علیه کل حکومت شعار دادند. مردم از جمله شعار میدادند: "نگ ما، نگ ما، رهبر الدنگ ما"، "میکشم، میکشم، آنکه پرادرم کشت"، "حکومت آخوندی نمیخواهیم، نمیخواهیم"، و بسیجی برو گمشو.

نیروی انتظامی فراوانی در خیابانهای شهر مستقر شده بودند و مردم در برابر آنها شعار میدادند: ما همه اهل جنگیم، بجنگ تا بجنگیم. در جاهایی یگان ویژه به مردم حمله کرده و جمعیت با هو کردن و شعار بیشرف، بیشرف آنها را عقب میزدند. حکومت وحشت زده و نگران از گسترش بیشتر اعتراض دست به سرکوب و دستگیری زده و متوسل به تیراندازی شده است. خیابانهای شهر به صحنه جنگ و گریز مردم با سرکوبگران تبدیل شده است.

امشب مردم مسجد سلیمان، کازرون و خرمشهر نیز در حمایت از

امروز هشتم خرداد ماه نیز اعتراضات و تظاهرات مردم ادامه یافت. جمهوری اسلامی امروز را به شیوه خود عزای عمومی اعلام کرده بود تا بلکه فضای ضد حکومتی را کاهش دهد. اما این ترفند نیز کمکی به آن نکرد و انزجار بیشتری علیه حکومت را از جانب مردم برانگیخت. مردم در آبادان با خشم و نفرتی بیشتر به خیابان آمدند و فریاد مرگ بر دیکتاتور سردادند.

در جزیره مینو امروز یک شبه مراسم تدفین چهار تن از قربانیان فاجعه متروپل انجام گرفت و در ادامه آن مردم این جزیره به آبادان رفتند و با اعتراضات در آبادان همراه شدند. مردم آبادان ابتدا در چهارراه امیری جمع شدند و با حمله نیروی انتظامی تجمع کنندگان مدت کوتاهی متفرق شدند. اما بعد از پیوستن مردم جزیره جمعیت افزایش یافت و تظاهرات بزرگی در شهر بر پا شد. آبادان بار دیگر یکپارچه به فریاد علیه حکومت تبدیل شد. هنگامی که یک آخوند

در همبستگی سراسری با اعتراضات مردم و خانواده‌های دادخواه فاجعه متروپل آبادان!



ما هم با
آبادان
هستیم
یکشنبه ۵ جون ۲۰۲۲

تورنتو - میدان مل لستمن ساعت ۴ عصر ۶۱۳-۸۵۰۴۹۲۹

باید با اعتراضات سراسری مردم آبادان را تنها نگذاشت و با فشار به رژیم خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری معترضین شد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی



به انقلاب زنانه پیوندید!

این ضرورت امروز ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

مبارزه متشکل و سازمان یافته



بیانیه تلگرام برای درخواست عضویت و فعالیت در انقلاب زنانه

@sjktamas

FREE THEM NOW

30 TEACHERS ARE IN JAIL -MORE TEACHERS ARE UNDER PERSECUTION IN IRAN



اسامی معلمان زندانی: رسول بدایی، جعفر براهمی، محمد حبیبی، مرگن باغری، اصغر امیرزادگان، محمد علیشوندی، محمد علی زحمتکش، اسدکنار لطفی، مسعود انصاری، رحمانه انصاری، زهرا، امیر عباس آرم وند، اسماعیل گرامی، علی اسحاق، سمیه کارگر، بهاره سلیمی، سیده قلیان، آرش جوهری، عبدالرزاق امیری، مهرداد بهمانی، حمید عباسی، آفتاب رزمجوئی، غلامرضا غلامی کدازی، هادی صادقی زاده، حسین مهدی پور، مهدی کلانتری، محمد رضا شریعتی نیا، اسماعیل عبودی، هاله صفرزاده، هاشم خواستار، محمد حسین سپهری، ناهید فتححیاتی، زینب همرنگ، نصرت بهشتی، عالیبه اقدام دوست، عباس واحدیان

20 WORKERS ACTIVISTS ARE IN JAIL AND MENYMORE UNDER PERSECUTION IN IRAN



اسامی فعالین کارگری زندانی: رضا شهبانی، انیسا اسداللهی، رحمانه انصاری، زهرا، امیر عباس آرم وند، اسماعیل گرامی، علی اسحاق، سمیه کارگر، بهاره سلیمی، سیده قلیان، آرش جوهری، ابوالفضل غسانی، شاپور احسانی راد، شادی گیلک، عباس واحدیان، غفررضا تقی، ناهید تقوی، مهران رنوف، عباس دریس، رحمانه انصاری، حسن سعیدی

All jailed teachers and workers activists must be released immediately

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

در آکسیون اعتراضی مقابل سازمان جهانی کار در نهم ژوئن شرکت میکنیم

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

و خواستهای معلمان حمایت میکند. خواست اخراج هیات جمهوری اسلامی از هیات مدیره آی ال او کارزار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را قدرت میبخشد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همه بخشهای جامعه را به امضای طومار اعتراضی معلمان و پیشبرد این کارزار مبارزاتی فرا میخواند. فری دم ناو همچنین بر شرکت وسیع در آکسیون اعتراضی مقابل اجلاس آی ال او فراخوان میدهد. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی بایکوت و از آی ال او اخراج شود.

Shahla.daneshfr2@gmail.com

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
<https://free-them-now.com/>
 ۷ خرداد ۱۴۰۱، ۲۸ مه ۲۰۲۲

جمله حق آزادی بیان و جمع و اعتراض، اعزاز هیاتی بین المللی از سوی سازمان جهانی کار و فدراسیون های بین المللی اتحادیه ای جهت بررسی شرایط نیروی کار به ایران ونشست با تشکلهای مستقل صنفی و دیدار با فعالین صنفی زندانی در ایران و خانوادههای آنها، و اخراج نمایندگان دولت ساختهی ایران از هیئت مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آنها در این هیات مدیره به دلیل نقض مداوم مقاوله نامه های بین المللی. تا کنون ۳ هزار نفر طومار اعتراضی معلمان را امضاء کرده اند. این طومار صدای اعتراض همه کارگران و مردم علیه سرکوبگری های حکومت و قدم مهمی در جلب همبستگی بین المللی است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) از این طومار

جهان بایکوت شود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و چند تشکل مستقل صنفی دیگر نیز طوماری خطاب به هیات های نمایندگی شرکت کننده در کنفرانس به ویژه نمایندگان اتحادیه های کارگری بین المللی ارسال کرده و از آنها خواسته اند که به دلیل عدم اجرای مقاوله نامه های سازمان جهانی کار و نقض حقوق اولیه کارگران در ایران، حکومت اسلامی از هیات مدیره سازمان جهانی کار کنار گذاشته شوند. معلمان در این نامه بر نکات مهمی تاکید کرده اند: رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمام دستگیر شدگان، ملزم کردن جمهوری اسلامی به رعایت حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران از

شرکت خواهد کرد. بعلاوه فری دم ناو برنامه هایی برای بازتاب صدای اعتراض کارگران و کل جامعه در سطح بین المللی را در دستور کار دارد. اکنون در مقطع تشکیل اجلاس سازمان جهانی کار و در مقطع اعتراضات گسترده مردمی در ایران و ادامه جنایات و سرکوبگریهای حکومت، ما طی نامه ای سرگشاده خطاب به اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سطح بین المللی بر سه خواست فوری اعتراض به حضور حکومت اسلامی در کنفرانس آی ال او، تحریم هیات رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار، فشار آوردن برای آزادی کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید داریم. جمهوری اسلامی نیز باید همچون حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی در سطح

در آکسیون اعتراضی مقابل سازمان جهانی کار در نهم ژوئن شرکت میکنیم جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

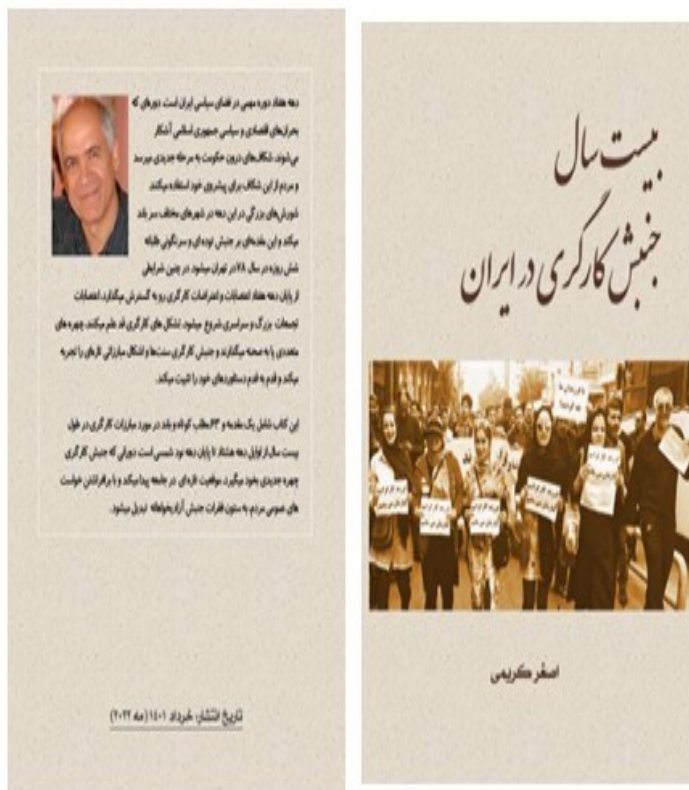
اجلاس بین المللی سازمان جهانی کار از ۲۷ ماه مه آغاز میشود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) همانند هر سال در مقابل این سازمان آکسیون اعتراضی برپا خواهد کرد و به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در این اجلاس اعتراض میکند. امسال از سوی اتحادیه های کارگری فرانسوی و برخی جریانات مختلف سیاسی قرار است در ساعت ۱۱ صبح روز نهم ژوئن تجمعی علیه حضور جمهوری اسلامی مقابل اجلاس سازمان جهانی کار برگزار شود. فری دم ناو (FTN) کمپین برای آزادی کارگران زندانی، در این آکسیون اعتراضی

دهه هفتاد دوره مهمی در فضای سیاسی ایران است. دوره‌ای که بحران‌های اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی آشکار می‌شوند، شکاف‌های درون حکومت به مرحله جدیدی می‌رسد و مردم از این شکاف برای پیشروی خود استفاده میکنند. شورش‌های بزرگی در این دهه در شهرهای مختلف سر بلند میکند و این مقدمه‌ای بر جنبش توده‌ای و سرنگونی طلبانه شش روزه در سال ۷۸ در تهران میشود. در چنین شرایطی از پایان دهه هفتاد اعتصابات و اعتراضات کارگری رو به گسترش میگذارد، اعتصابات بزرگ و پی در پی شروع میشود، تشکل‌های کارگری قد علم میکنند، چهره‌های متعددی پا به صحنه میگذارند و جنبش کارگری سنت‌ها و اشکال مبارزاتی تازه‌ای را تجربه میکند و قدم به قدم دستاوردهای خود را تثبیت میکند.

این کتاب شامل یک مقدمه و ۶۳ مطلب کوتاه و بلند در مورد مبارزات کارگری در طول بیست سال از اوایل دهه هشتاد تا پایان دهه نود شمسی است. دورانی که جنبش کارگری چهره جدیدی بخود میگیرد، دست به اعتصابات بزرگ و سراسری میزند، خود را به درجات سازمان میدهد، خواست‌های عمومی جامعه را نمایندگی میکند و به ستون فقرات جنبش آزادیخواهانه مردم تبدیل میشود.

=====

علاقمندان به تهیه این کتاب میتوانند به واحدهای حزب در کشورهای مختلف مراجعه کنند.



کتاب «بیست سال جنبش کارگری
ایران» نوشته اصغر خاتمی

به مردم ایران در داخل کشور به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

دو هفته قبل همه مردم آزاده در خارج و داخل کشور را به کمک مالی به حزب و کال جدید فراخواندیم. اینجا مورد خطاب ما مردم شریف در داخل کشور هستند.

شما دوستداران حزب و تلویزیون کانال جدید، شما کارگران و بازنشستگان، معلمان و پرستاران، زنان، جوانان و دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان شما مردم شریفی که برای رهایی از حکومت اسلامی در اعتراض هستید، شما که از شر دخالت مذهب در زندگی تان، از فقر و تبعیض و بیحقوقی و از ظلم و ستم هر روزه دزدان و جنایتکاران حاکم به تنگ آمده اید، فرامیخوانیم که حزب کمونیست کارگری را هر چه بیشتر تقویت کنید. این حزب همه شما است. حزب کمونیست کارگری. حزب کارگران و اقشار محروم جامعه علیه فقر و محرومیت و استثمار و نابرابری است. حزب زنان علیه تبعیض و بیحرمتی و حجاب اجباری است. حزب جوانان برای رفاه و شادی و عدالت اجتماعی است. این حزب نماینده شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده اسلامی و نماینده تلاش و آرزوهای انسانی شما برای ساختن جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه و بدون دخالت مذهب و آخوند در زندگی مردم است. کانال جدید، تلویزیون این حزب نیز صدای همه شما مخالفین حکومت است. کانال جدید صدای رسای اعتراض و اعتصاب هر روزه شما و تقویت کننده اتحاد و پیوستگی شما برای زیر و رو کردن جهنمی است که حکومت و مفتخوران حاکم بر جامعه حاکم کرده اند.

این حزب به کمک مالی شما مردم شریف و معترض نیاز مبرم دارد. تا بتواند فعالیت های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهد و برنامه های کانال جدید را متنوع تر و با قدرت بیشتری در اختیار بینندگان قرار دهد. هر مقدار که میتوانید به حزبتان کمک کنید. قدم جلو بگذارید و از دوستان و آشنایان مورد اعتمادتان بخواهید هر مقدار میتوانند کمک کنند. کمک ها را جمع آوری کنید و برای رساندن آن به حزب با شماره تلفن های زیر یا با دوستان حزبی تان در خارج کشور تماس بگیرید.

تلفن های تماس (واتس اپ، تلگرام، سیگنال):

سیامک بهاری: 0046739868051

بابک یزدی:

0014164717138

شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:

00447788988643

برای پرداخت کمک های خود میتوانید از طریق شماره حساب های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید.

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج
سیامک بهاری: 0046739868051

از آمریکای شمالی:
بابک یزدی:
0014164717138

تماس از ایران
شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:
00447788988643

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور
دیگر:

England

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L